



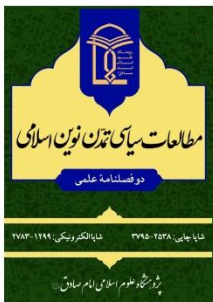
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1209

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number: 7



Considering Non-Military Necessities of Civilization-Building as Jihad Based on the Ayatollah Khamenei's Civilizational Thought*

Muhammad Mustafa Asaady**

<https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.442729.1088>

Received: 2024/02/10; Accepted: 2021/05/13

Type of Article: Research

PP: 12-30

Abstract

The objectification of modern Islamic civilization in the revival era is rooted in a precise and in-depth understanding of its multifaceted dimensions and requisite elements, as envisioned by the theory's originator. The central inquiry of this research is why and how Ayatollah Khamenei has categorized civilizational roles as Jihad. Through an analytical approach, our findings reveal that Ayatollah Khamenei has identified political struggle, cultural engagement, scientific advancement, and economic endeavor as Jihad in the pursuit of civilizational development. This perspective is underpinned by his emphasis on the divine motivation behind Jihad, its obligatory nature, the necessity of striving and perseverance in Jihad, the recognition of obstacles on the path of Jihad, and the awareness of civilian threats. Consequently, it becomes evident that the concept of Jihad as a prerequisite for civilizational development is shaped by the cultivation of religious motivations within society and a macrocosmic understanding of the prevailing realities both within the society and globally.

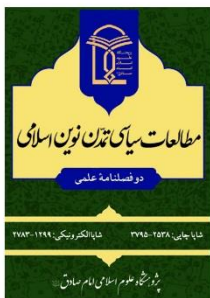
Keywords: Jihad, Civilization Building, New Islamic Civilization, Ayatollah Khamenei.

*. This article was supported by Imam Sadegh Institute of Islamic Sciences.

** . Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran, asaady.m@iums.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشگاه علوم اسلام صادق
P-ISSN: 3795-2538 & E-ISSN: 2783-1299
نشانی پانگه شماره: http://sjs.isri.ac.ir
مسئول: محمد مصطفی اسعدی



*. استادیار گروه معارف اسلامی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم
پزشکی ایران، تهران، ایران،
asady.m@iums.ac.ir

تعلیل جهادانگاری الزامات غیرنظامی تمدن سازی مبتنی بر اندیشه تمدنی آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته

محمد مصطفی اسعدی *

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.442729.1088>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۱۲-۳۰

چکیده

عینی سازی تمدن نوین اسلامی در عصر احیا، مبتنی بر شناخت دقیق و عمیق همه ابعاد و الزامات آن براساس دیدگاه ایده پرداز این نظریه است. پرسش مشخص در پژوهش پیش رو آن است که چرا و به چه علت آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته نقش های تمدنی را به عنوان جهاد دانسته است؟ براساس یافته های پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته در مسیر تمدن سازی، مجاهدت سیاسی، نقش آفرینی فرهنگی، نهضت علمی و تکاپوی اقتصادی را جهاد انگاری نموده است. تعلیل این موضوع ناظر به توجه دهی به انگیزه الهی جهاد، فریضه بودن جهاد، لزوم مجاهدت و سخت کوشی در جهاد، توجه دهی به وجود مانع در مسیر جهاد و توجه دهی به هجمه غیرنظامی دشمن بوده است؛ در نتیجه، مشخص شد که جهاد انگاری الزامات تمدن سازی مبتنی بر کاربرست انگیزه های دینی جامعه و کلان نگری نسبت به واقعیات موجود جامعه و جهان شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: جهاد انگاری، تمدن سازی، تمدن نوین اسلامی، آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته.

مقدمه

پژوهشگران و اندیشمندان حوزه تمدن اسلامی، مدت‌هاست جستجوگر عوامل و عناصری هستند که می‌توانند تمدن اسلامی را پس از دوره رکود و انحطاط تاریخی، بازتولید نموده و احیاگر تمدن ترازوی باشند که فارغ از نقاط ضعف تمدن گذشته اسلامی، پیشران جهان اسلام در عصر جدید باشد. در این میان، ایده «تمدن نوین اسلامی»، که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌برکات رهبر انقلاب اسلامی مطرح شده، یکی از طرح‌های قابل مذاقه در این بستر است که بایستی ابعاد و زوایای مختلف آن، مورد توجه بیشتری قرار گیرد تا هم زمینه‌سازی قوی‌تری نسبت به تحقق همه‌جانبه آن صورت گیرد و هم الزامات میدانی و عینی آن روشن‌تر ترسیم شود.

با بررسی وسیع دیدگاه‌های تمدنی رهبر انقلاب، این نکته به وضوح آشکار می‌شود که ایشان مفهوم جهاد را صرفاً در جهاد نظامی محدود ندیده و گستره آن در سطح کلانی دیده شده که ابعاد آن، جز با رویکرد تمدنی تحلیل‌پذیر نیست؛ بر این اساس، پرسش مشخص در پژوهش پیش‌رو آن است که چرا و به چه علت رهبر انقلاب نقش‌های تمدنی را به‌عنوان جهاد انگاشته است؟ پاسخ به این موضوع، مبتنی بر پاسخ به این پرسش است که ایشان کدام‌یک از الزامات تمدن‌سازی را در نگاه خود به‌عنوان جهاد می‌بیند؟

ضرورت پاسخ به این موضوع از یک سو، مرتبط با ضرورت احیا و بازتولید تمدن است که در عصر حاضر همه دغدغه‌مندان این عرصه را به تکاپوی علمی و عملی واداشته است؛ از سوی دیگر، ناظر به ضرورت فهم همه‌جانبه دیدگاه اندیشمندی است که نظریه‌ای خاص و کاربردی در احیای تمدن ارائه کرده است. طبعاً تا زمانی که ابعاد گونه‌گون دیدگاه ایشان آشکار نشود، کار بست این نظریه در ابعاد وسیع جامعه‌پردازی، امکان‌پذیر نخواهد بود.

چهارچوب نظری این پژوهش، در سطح کلی حوزه نظریه‌پردازی در تمدن‌پژوهی و تمدن‌شناسی است که مسائل کلان دیروز و امروز جهان اسلام و تمدن‌های دیگر را دربر می‌گیرد، اما در سطح جزئی این پژوهش در چهارچوب مسائل احیا و بازتولید تمدن اسلامی جای می‌گیرد که اندیشمندان مختلفی در کشورهای اسلامی را به ایده‌پردازی در این زمینه واداشته و رهبر انقلاب نیز، فارغ از جایگاه سیاسی ولایی، به‌عنوان یک اندیشمند برجسته در همین بخش، ایده‌پردازی کرده‌اند.

۱. مفاهیم

«جهادانگاری» اصطلاحی ترکیبی و ابداع نگارنده بوده که از ترکیب دو واژه «جهاد» و «انگاره» ایجاد شده است. واژه جهاد ناظر به همان مفهوم مشخص دینی است که به‌عنوان یکی از فروع دین تعریف و ارزش‌گذاری شده است. در فرهنگ دینی مفهوم جهاد در وهله نخست، ناظر به بعد نظامی موضوع است که انواع ابتدایی و دفاعی دارد و در حوزه فقه و شریعت بدان پرداخته شده است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲). واژه انگاره را نیز لغت‌شناسان در فارسی به‌معنای پندار، وهم، گمان دانسته و در کنار آن قیاس و اندازه را نیز مطرح کرده‌اند (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۰۹). در این پژوهش ترکیب این واژه با جهاد به‌معنای حدگذاری کنش‌گری‌های غیرنظامی در عرصه اجتماعی و بین‌المللی است که در دیدگاه رهبری به‌عنوان جهاد تعریف شده است.

واژه تمدن از اصطلاحات پرتعریفی است که از سوی تمدن‌پژوهان فراوان تعریف شده است. این واژه به‌صورت کلی، ناظر به مرحله شهرآیینی در حیات بشری تعریف می‌شود که پس از مرحله پراکنده‌نشینی تعریف می‌شود و نوعی از مدنیت در یک ساختار اجتماعی برای انسان لحاظ می‌شود. دیدگاه مشخص نگارنده همان تعریفی است که پیش‌ازاین در پژوهشی دیگر این‌گونه بیان شده است: «نمود حیات جمعی بشر» (اسعدی، ۱۴۰۱: ۲۹). این تعریف از یک‌سو، بر پایه بن‌مایه فرهنگی هر تمدن شکل گرفته که در یک جمعیت نمود می‌یابد و از سوی دیگر، همه اضلاع و عناصر تمدنی را پوشش می‌دهد که به نحوی حیات جمعی را شکل می‌دهند.

۲. پیشینه

پیش‌ازاین در پژوهشی با عنوان «بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی» (رجبی و میرزاحمدی، ۱۳۹۷) جهاد به‌عنوان نقطه مواجهه تمدن اسلامی با تمدن‌های رقیب مطرح شده و با طرح چهار الگوی هجومی، دفاعی، تقیه و هجرت، الزام قرارگیری در حالت هجومی را پیشنهاد کرده و درنهایت، به موضوع کنش و منش جهادی پرداخته است. نقطه فارق روشن در پژوهش پیش‌رو رویکرد غیرتقابلی و غیرسخت به موضوع جهاد است که ابعاد آن را به‌طورکلی، از پژوهش پیش‌گفته متمایز می‌سازد.

اما در پژوهشی دیگر با عنوان «جهاد فرهنگی در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای»

(صنیعی و زرگرزاده، ۱۳۹۷) رویکرد نزدیک‌تری به نوشتار پیش وجود داشته است که به صورت مشخص به بخشی از یافته‌های این مقاله مرتبط دانسته می‌شود؛ هر چند آن پژوهش بحثی از ایده جهادانگاری نداشته و صرفاً به دیدگاه‌های رهبری با کلیدواژه مذکور پرداخته است. علاوه بر اینکه نگاه کلان تمدنی نیز نداشته و دیگر ابعاد جهادانگاری نیز در آن مطرح نشده است.

در پژوهشی دیگر با عنوان «تصویر مطلوب کسب‌وکار در تمدن نوین اسلامی» (کریمی و ارشدی، ۱۴۰۱) نویسندگان با رویکرد اقتصادی به موضوع جهاد اقتصادی پرداخته‌اند و مسائلی مانند بهره‌وری و کیفیت، ضابطه‌مندی، درایت و بهره‌مندی از فرصت‌ها و عدالت تبیین شده‌اند؛ هر چند این موضوع به یکی از ابعاد پژوهش پیش‌رو مرتبط خواهد بود، ولی مسئله‌ای کاملاً متفاوت از موضوع جهادانگاری است، اما در همین زمینه، پژوهشی با عنوان «جهاد اقتصادی» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲) به بررسی چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی پرداخته است که همسو با بخشی از پژوهش حاضر بوده و در همین زمینه کارآمد است. کتاب «مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی» (اسحاقی، ۱۳۹۰) نیز با رویکردی مشابه و البته، نه با نگاه تمدنی، این موضوع را بررسی کرده است، اما پژوهش پیش‌رو اولاً، این موضوع را با رویکرد تمدنی و ناظر به الزامات تمدنی، آن‌هم در ابعاد کلان موردتوجه قرار خواهد داد.

۳. یافته‌ها

پیش از بیان هر نکته‌ای بایستی توجه داشت در نگره رهبر انقلاب، حدگذاری مشخصی برای مفهوم جهاد بیان شده (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۷/۳) که کاملاً ناظر به اهداف تمدنی لحاظ شده و چند مؤلفه مشخص دارد:



شکل ۱: مؤلفه‌های جهاد تمدنی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

اما فارغ از این نکته بررسی وسیع دیدگاه‌های رهبر انقلاب در مقاطع گونه‌گون، طیف وسیعی از نقش‌های غیرنظامی در عرصه تمدنی را به دست می‌دهد که همگی

ذیل کلیدواژه «جهاد» بیان شده‌اند. در ساختاردهی کلی این دیدگاه‌ها چند رویکرد روشن تمدنی دریافت‌شده است. این گونه‌گونی نه فقط در نمونه‌ها، بلکه در نگاه کلی به مفهوم جهاد نیز در بیانات ایشان جانمایی شده است. ایشان در اواخر دهه شصت، در بعد غیرنظامی تنها دو گونه جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی را تعریف کرده است (همان، ۱۳۶۹/۱/۲۲)، اما رفته‌رفته این جهادانگاری تنوع بیشتری یافت و موارد بیشتری بدان افزوده شد. ایشان در یک مقطع همگان را مخاطب این نگاه قرار داده و در تصریح به بعد غیرنظامی جهاد ناظر به همه اقشار جامعه فرمود: «یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی، جهاد فکری، جهاد علمی، جهاد اجتماعی و جهاد اخلاقی است» (همان، ۱۳۸۷/۷/۱۰).

در مقطعی دیگر ایشان به جنبه تقابلی گونه‌های جهاد تمدنی در مقابل دشمن پرداخته و می‌گویند: «اگر شما در میدان جهاد -هر جهادی؛ در هر دوره‌ای یک‌جور جهاد لازم است؛ جهاد نظامی، جهاد علمی، جهاد تحقیقاتی؛ همه‌جور جهادی- حضور داشته باشید و فعال باشید، دشمن را شکست خواهید داد» (همان، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹). جالب است که این بیان در مخاطب با گروهی از قشرهای نظامی بیان شده و درواقع ایشان، نظامیان را هم به این رویکرد تمدنی التفات می‌دهند تا آن‌ها علاوه بر تخصص در علوم نظامی، صرفاً رویکرد نظامی به تقابل با دشمن نداشته باشند.

همین نگاه متنوع، ناظر به شرایط مختلف و لزوم اولویت‌سنجی و عملکرد نیازمحور در هر وضعیت، تبیین می‌شود. ایشان با اشاره به انواع مختلف جهاد در عرصه علمی، نظامی، سیاسی، بر این نکته تصریح دارند که در هر مقطعی از زمان، ممکن است یکی از انواع جهاد، رجحان پیدا کند. این نکته، که مخاطب آن طلاب و فعالان فرهنگی است، آشکار می‌کند که بایستی با احساس وظیفه، همه ابعاد جامعه را در کنشگری در نظر گرفت (همان، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳).

جالب است که رهبر انقلاب در تحلیل ریزش‌های خواص در تاریخ جمهوری اسلامی، یک علت را ناظر به همین موضوع می‌داند: «سعی کنید هویت جهاد تغییر پیدا نکند. اینکه می‌بینید فکر برخی اشخاص و ترکیب‌های ذهنی آن‌ها از اول انقلاب

تا حالا ۱۸۰ درجه عوض شده، یک روال و ممشای طبیعی نیست...». (همان، ۱۳۸۶/۴/۲۵)؛ یعنی حرکت صحیح خواص و عوام جامعه وابسته به برخورداری از همین هویت جهادی است. به هر روی، با مذاقه بر دیدگاه‌های تمدنی رهبر انقلاب، چند الزام مشخص تمدنی با لحاظ کلیدواژه جهاد و تعریف آن الزام به‌عنوان یک جهاد مستقل قابلیت رهگیری دارد:

۳-۱. جهادانگاری مجاهدت سیاسی

در هر عرصه تمدنی، قوه حاکمه یا همان سازمان سیاسی، به‌عنوان یکی از اضلاع تمدن (اسعدی، ۱۴۰۱: ۳۶) و بخش نظام‌ساز کلی شناخته می‌شود که همه بخش‌های یک تمدن را مدیریت کرده و همسو می‌سازد، اما در اندیشه تمدنی رهبر انقلاب، مجاهدت سیاسی صرفاً ناظر به سازمان سیاسی تعریف نمی‌شود، بلکه همسو با ساختار جمهوری اسلامی، عموم آحاد ملت در این عرصه جهادی نقش‌آفرین هستند. نمود روشن این موضوع، در موضوع انتخابات رخ‌نمایی می‌کند: «شرکت شما در یک مسابقه سالم و مسئولانه برای انتخاب رئیس‌جمهور... به دنیا ثابت کرد که ملت ما به برکت عمل به اسلام ناب محمدی در صحنه جهاد سیاسی نیز مانند جهاد نظامی، از انسجام و ابتکار و نظم و قاعده درست برخوردار است» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۷۶/۳/۳). در واقع، انتخابات به‌عنوان حق وظیفه‌ای که آحاد جامعه را دخیل در تعیین کارگزاران می‌نماید، می‌تواند در چگونگی عملکرد دولت اسلامی نیز تعیین‌کننده باشد.

اهمیت این‌گونه از جهاد به‌حدی است که حتی نظامیان که در عرصه جهاد نظامی فعالیت دارند، نباید از آن غافل باشند. رهبر انقلاب در این زمینه می‌گوید: «مبادا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغول‌اند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست‌کم بگیرند. اگر این را دست‌کم و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد» (همان، ۱۳۶۹/۱/۲۲). بنابراین، ایشان جهاد سیاسی را مکمل قدرت نظامی دانسته و تأکید دارد که بخشی از پیشبرد اهداف تمدنی مبتنی بر آن است.

در همین زمینه، ایشان این موضوع را یکی از نقاط عملکردی در سیره علمای انقلابی شیعه دانسته و درباره یکی از علمای شهید کشور عراق می‌نویسد: «هنگامی که حوزه کهن نجف در بوتۀ آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه، قدم در راه مجاهدت علمی و سیاسی

نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت...» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۷۹/۱۰/۲۹). بر همین اساس، نوع منش این‌گونه از علما، خود می‌تواند آموزنده‌ی چگونگی جهاد سیاسی برای همه‌ی مسلمانان در جهان اسلام باشد.

اما نکته‌ی مهم‌تر آنکه بایسته‌ها و الزامات این‌گونه از جهاد نیز در اندیشه‌ی تمدنی رهبر انقلاب مغفول نمانده است. ایشان در این زمینه تأکید دارند که در مبارزات سیاسی، نظامی، اقتصادی، دقیقاً مانند میدان جنگ، بایستی بر نقاط قوت خود و نقاط ضعف طرف مقابل تکیه کرد. مستکبران جهان نیز با لحاظ نقاط ضعف و قوت ملت ایران، می‌خواهند از نقاط ضعف ما استفاده کرده و نقاط قوت را از بین ببرند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۱/۲۴).

افزون‌براین، رهبر انقلاب این موضوع را در گستره‌ی بین‌المللی جهان اسلام نیز رصد کرده و با توجه به استعمارستیزی پدیدار شده در برخی کشورهای اسلامی، چنین می‌نویسد: «جوانان و جوان مردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی، به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم و ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه‌ی بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۲/۱۱/۸). در واقع، رهبر انقلاب، با لحاظ دیدگاه اسلام سیاسی، هرگونه کنش‌گری مجدّانه سیاسی در برابر استعمارگری را جهادانگاری نموده و مجاهده‌ی سیاسی را ناظر به بیگانگیستیزی نیز تعریف کرده است؛

۲-۳. جهادانگاری نقش‌آفرینی فرهنگی

مهم‌ترین عرصه‌ی جهادانگاری در عرصه‌ی اثرگذاری تمدنی، ناظر به عرصه‌ی فرباخشی «فرهنگ» است که رهبر انقلاب در نگاهی وسیع و عمیق آن را تبیین کرده است. ایشان به صورت کلی، ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه را جهاد انگاشته (همان، ۱۳۸۱/۱۲/۶) و با تأکید بر وجود موضوعی به نام «جنگ فرهنگی» (همان، ۱۳۹۴/۲/۱۴)، به پیشینه‌ی این موضوع از سوی دشمن پرداخته است؛ از این رو، با اشاره به شکست دشمن در عرصه‌ی نظامی می‌گوید: «وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، به جنگ فرهنگی متوسل شدند... زبندگان می‌نشینند، فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متأسفانه، عده‌ای هم در داخل همان‌ها را رله می‌کنند» (همان، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).

به‌همین دلیل، ایشان مسئله کنش‌گری در این عرصه را نیز جهادانگاری نموده و در نگاه تشکیلاتی ساختاری به این موضوع، شورای عالی انقلاب فرهنگی را «قرارگاه» نامیده و می‌گوید: «واقع قضیه این است که کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم‌تر نباشد و اگر خطرناک‌تر نباشد، کمتر نیست» (همان، ۱۳۹۲/۹/۱۹)؛ بر همین اساس، ایشان به عرصه رسانه و ارتباطات و رسانه اشاره نموده و نبرد فرهنگی در این بستر را نیز می‌بیند: «با تحولات عظیم ارتباطاتی که امروز در دنیا به وجود آمده، جنگ فرهنگی به عرصه‌ای با ابعاد مختلف و فراگیر و پیچیده تبدیل شده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

در برابر ترسیم این کارزار فرهنگی، رهبر انقلاب در وهله نخست، جهاد فرهنگی را در برخی مضامین قرآنی دنبال کرده و برخی سوره کتاب وحی را ناظر به مبارزه فرهنگی پیامبر با یهودیان مدینه می‌داند. (همان، ۱۳۸۰/۲/۲۸)، آن‌گاه یک پیشینه تاریخی دینی برای کنش‌گری در این بستر ترسیم کرده است؛ برای مثال، ایشان باتوجه‌به دیرینه شهر قم می‌گوید: «پیدایش شهر قم ناشی از یک حرکت جهادی و توأم با بصیرت بود. خاندان اشعریون که این منطقه را محل سکونت خود قرار دادند، درواقع، اینجا را پایگاهی برای نشر معارف اهل‌بیت قرار دادند و یک مجاهدت فرهنگی را در اینجا شروع کردند ...» (همان، ۱۳۸۹/۷/۲۷). درواقع، او می‌کوشد باتوجه‌به جریان فرهنگی شکل‌گرفته در بستر تاریخ تشیع، یک هویت دیرپا برای این موضوع جانمایی نماید؛ درهمین زمینه، نقش فرهنگی برخی علمای شیعه معاصر در ایران و دیگر کشورهای اسلامی در اعتلای اسلام و ترویج مکتب اهل‌بیت جهادانگاری شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۰/۹/۲۶).

در گام بعد ایشان به جهادانگاری نقش‌های مختلف فرهنگی در عرصه جامعه و تمدن اسلامی می‌پردازد؛ بنابراین، گسترده‌ترین قشر علمی جامعه، یعنی دانشجویان، را مخاطب قرار داده و چنین می‌نویسد: «دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را نیز مانند حضور در میدان‌های جنگ، با تکیه‌بر هوشمندی و تلاش و توکل پیش می‌برد» (همان، ۱۳۷۷/۷/۱۴). در این بیان علاوه‌بر جهادانگاری کنش فرهنگی، الزامات آن نیز دقیقاً مانند عرصه نظامی تعریف و لحاظ شده است؛ درهمین زمینه، به تبیین ابزار موردنیاز در این عرصه

پرداخته و می‌گویند: «نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می‌شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد. تفنگ او قلم است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۲/۱۲). با همین نگاه ایشان تولید محصولات و محتوای فرهنگی را نیز جهادانگاری نموده و معتقدند: «کسانی که امروز مشغول کار و فعالیت در عرصه فیلم‌های با مضامین انقلابی و دفاع مقدس هستند، واقعاً در حال جهاد هستند» (همان، ۱۳۹۱/۱۲/۱).

اما نکته مهم‌تر آن است که کارزار فرهنگی شرایط و مختصات خاص خود را دارد و کنش‌گران این عرصه بایستی با اطلاع از این مسائل، نقش‌آفرینی دقیقی داشته باشند: «در جنگ فرهنگی تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی از زبان یک نفر صادر بشود... چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند... پازل دشمن را نباید کامل کرد. در این حد هوشیاری لازم است» (همان، ۱۳۸۶/۳/۱۲). اما علاوه بر هوشیاری، شروط دیگری نیز در این عرصه تصویر شده است: «اگر ملتی از ایمان برخوردار بود و با اراده بار آمد و قدرت تصمیم‌گیری به او تعلیم داده شد، در همه میدان‌ها، در میدان سیاست، در میدان مبارزات فرهنگی پیروز است» (همان، ۱۳۷۶/۶/۱۵).

ذیل جهادانگاری این نقش، رهبر انقلاب با هشداردهی نسبت به عدم مسئولیت‌پذیری تمام اقدار اثرگذار در این عرصه، معتقدند که مسئولان فرهنگی کشور در هر سطحی و فرهنگیان اعم از معلم و دانشجو طلبه و مدرّس تا دانش‌آموز و تا کسانی که در بیرون نظام آموزشی کشور مشغول کارند، باید احساس سرباز بودن کنند و بدانند که چگونه دفاع می‌کنند؛ زیرا اگر ندانند که دشمن چه کار می‌کند و از فرمانده فرهنگی دستور نگیرند، شکست را به دنبال خواهد داشت (همان، ۱۳۶۹/۲/۱۲).

در نگره تمدنی رهبر انقلاب همین موضوع ناظر به اقدار فعال و استعمارستیز دیگر کشورهای اسلامی نیز دنبال شده است، چنان‌که ایشان در پیام به کنگره حج می‌نویسد: «جوانان و جوان مردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش

می‌دهند» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۲/۱۱/۸) در واقع، ایشان با جهادانگاری نقش‌های تمدنی، این موضوع را مسیر اقتدار ملل مسلمان و رهایی آنان از استعمارزدگی و سلطه‌پذیری دانسته است.

نکته دیگر آنکه جهادانگاری نقش فرهنگی ناظر به اصلاح فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های ضدارزشی نیز لحاظ شده است؛ هم‌چنان‌که، رهبر انقلاب با لحاظ تحجّر و جمود به‌عنوان یک فرهنگ می‌گوید: «جنگ با جمود، جنگ شمشیری نیست، چون از مقوله فرهنگ است؛ منتها فرهنگ بسته! بایستی با روش‌های فرهنگی با آن مقابله کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۲/۲۲)؛

۳-۳. جهادانگاری نهضت علمی

یکی از ویژگی‌های تمدن‌ساز فرهنگ اسلامی، ترویج دانش‌اندوزی است (کاشفی، ۱۳۹۲: ۶۸) و تمدن‌پژوهان، علم را یکی از اضلاع تمدن برشمردند (اسعدی، ۱۳۹۱: ۳۶). تولید علم چنان ظرفیت عظیمی دارد که هم می‌تواند اقتدار قوه حاکمه را بیفزاید؛ هم می‌تواند باعث توانمندی بیشتر قوای نظامی شود و هم می‌تواند بر صنعت و اقتصاد پویا تأثیر مستقیم داشته باشد؛ از این‌رو، رهبر انقلاب حجیم‌ترین تأکید و تصریح را در این بخش ابراز کرده و در مقاطع مختلف بر تکاپوی علمی اصرار ورزیده است، اما بخش مشخصی از این تأکیدات، ناظر به پژوهش پیش‌رو است که آن را به‌عنوان «جهاد» انگاشته و جهاد علمی را تعریف کرده است.

در گام نخست، همان‌سان که اهل‌بیت علیهم‌السلام در تبیین فرهنگ اصیل دینی، علم‌آموزی را به‌عنوان یک فریضه همگانی دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۱ و برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۲۵ و امام صادق، ۱۴۰۰ق: ۱۳)، رهبری نیز بعد شریعت‌مدار برای آن تعریف کرده و در یکی از پیام‌های خود، چنین بیان داشته است: «جهاد علمی یکی از بزرگ‌ترین فرایض ما است» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۷۸/۷/۶). این بیان فارغ از جهادانگاری تلاش علمی، آن را اولویت‌شناسی نیز کرده و بر جایگاه والای آن تأکید می‌ورزند تا افشار علم‌محور جامعه، اهمیت نقش‌آفرینی خود در این عرصه را به‌روشنی درک کنند. ضلع مکمل این بیان در جایگاه دینی جهاد علمی، توجه‌دهی به بعد انگیزشی آن است تا روبنای تمدنی موضوع، زیربنای بینشی عمیقی داشته باشد و اراده‌سازی کند. رهبر انقلاب در این باره می‌گوید: «فرق می‌کند اینکه کسی برای

پول، برای مقام، برای شهرت یا فقط برای خود علم کار کند؛ یا نه، به عنوان جهاد فی سبیل اللّٰه کار کند، در راه خدا تلاش کند» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱/۱) قطعاً نوع انگیزش در هر کاری و خصوصاً کار علمی که با چالش‌های فراوان همراه است، هم می‌تواند مجاهد دانش طلب را از انگیزه‌های آسیب‌زا و علم بی‌خدا که جامعه بشری را به نابودی می‌کشاند، رها سازد و هم می‌تواند بر حجم کار اثرگذار باشد و در سختی کار، محرک انسان باشد؛ حتی در شرایطی که انگیزه‌های مادی وجود ندارند؛ بنابراین، ایشان بر این نکته تصریح می‌کند: «جهاد با نفس این است که از تفریح‌تان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار پرپول و پردرآمد - به قول فرنگی‌ها پول‌ساز - بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنی تا یک حقیقت زنده علمی را به دست بیاورید» (همان، ۱۳۸۹/۴/۲).

همین موضوع با همین ادبیات و با عنوان «کار علمی جهادی» در تخطاب با دانشجویان به صراحت، بیان می‌شود: «من عقیده‌ام این است که کار علمی در دانشگاه و در کشور باید جهادی باشد؛ کار علمی جهادی انجام بگیرد» (همان، ۱۳۹۲/۶/۵). البته، این جهاد صرفاً برای جوانان دیده نشده و کلیت نهاد علمی را دربر می‌گیرد: «ما باید علم را با همه معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوان‌ها، استادان و دانشگاه‌ها می‌گویم» (همان، ۱۳۸۵/۱/۱)؛ یعنی موضوع فراتر از یک فعالیت علمی و پژوهشی متداول و رایج است. موضوع، حرکتی با تمام ظرفیت فکری و انسانی و سازمانی است که عقب‌ماندگی تاریخی این ملت را جبران کند. البته، ایشان برای این عرصه جهادی همسان با عرصه نظامی، فرمانده مشخص نموده و از اساتید بسیجی دانشگاه‌ها می‌خواهند که به معنای واقعی کلمه، فرماندهان این عرصه عظیم جهاد فی سبیل -الله باشند (همان، ۱۳۸۹/۴/۲)؛ در همین زمینه، اقتدار کشور را علاوه بر عرصه نظامی، به دانش وابسته می‌دانند (همان، ۱۳۸۸/۸/۶).

اما نکته مهم‌تر آنکه این انگاره فقط در بیانات و دیدگاه‌ها و پیام‌های ایشان تعریف نشده و فراتر از آن، در اسناد رسمی حاکمیتی هم جانمایی شده است؛ همان گونه که، رهبر انقلاب در ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فناوری، مورد نخست را «جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان» (همان، ۱۳۹۳/۶/۲۹) اعلام کرده است. این بیان علاوه بر آنکه بر استمرار موضوع تأکید

دارد، هدف‌گذاری مشخصی نیز تعریف نموده تا جهاد علمی منتج به مرجعیت علمی کشور در عرصه جهانی شود. این نقطه هدف سنگین، می‌تواند به‌روشنی، جنبه جهادی بودن موضوع را ناظر به ابعاد وسیع کار آشکار سازد و مشخص کند که جهاد علمی در مقیاس داخلی سنجیده نمی‌شود، بلکه در مقایسه با حرکت علمی عموم ملل جهان قابل‌شناسایی است.

در نقطه انتهای این هدف‌گذاری در مرجعیت علمی، پیروزی نهایی با همین معیار و با همین خط سیر تعریف می‌شود: «راه پیروزی نهایی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه اشکالش؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی - و آنجایی که لازم است، مجاهدت نظامی - و ایمان و جهاد را از دست ندهند» (همان، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹)؛ بنابراین، جهاد علمی شرط لازم دستیابی به نقطه مطلوب تمدن نوین اسلامی دانسته شده است و بدون آن، صرف تولید علم، پاسخ‌گو نخواهد بود؛ از این رو، ایشان پیروزی را در تقابل علمی در برابر دشمن با همین نقش جهادی می‌بیند و در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چنین می‌نویسد: «به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را، که از جهاد علمی شما به‌شدت بیمناک است، ناکام سازید» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نکته جالب آنکه در نگاه تمدنی رهبر انقلاب، این موضوع صرفاً نسبت به ایران اسلامی تعریف نشده و جهادانگاری نقش علمی برای دیگر ملت‌های اسلامی در رویکردی بین‌المللی دیده می‌شود؛ بنابراین، ایشان در دیدار با نخست‌وزیر عراق می‌گوید: «باید در عراق، که مرکز استعدادهای علمی دنیای عرب است، یک نهضت علمی آغاز شود و دانشگاهیان و نخبگان به سمت جهاد علمی سوق داده شوند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۲/۴) در واقع، ایشان برپایه انگاره‌های مشترک مذهبی و دینی با ملت عراق، انگاره مشترک تمدنی تعریف می‌نماید تا چالش‌های نظامی و امنیتی و سیاسی در آن کشور، آنان را از قافله جهان علم غافل نگرداند.

نکته پایانی در این بخش آنکه تنوع مخاطب در جهاد علمی نشان می‌دهد که اولاً، این جهاد ناظر به سنین خاصی در نظر گرفته نشده و ثانیاً، با نقش فردی افراد محقق نمی‌شود؛ یعنی هرچند تلاش علمی هر فرد تأثیر مشخصی دارد، اما حرکت علمی

آحاد جامعه، بایستی موج علمی تحرک‌زا و پیشرفت‌زا در اقشار جامعه بدل شود تا در تغییر جایگاه علمی و تمدنی یک ملت و امت اسلامی محسوس باشد؛ از این رو، رهبر انقلاب شرط آبادانی کشور را بدان وابسته دانسته و می‌گوید: «مبادا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش سازندگی - فقط با ذکر خدا گفتن - آباد خواهد شد؛ ابداً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی» (همان، ۱۳۷۴/۷/۲۲)؛

۳-۴. جهادانگاری تکاپوی اقتصادی

تمدن‌پژوهان بر این نکته تأکید دارند که سازمان فعال اقتصادی یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت تمدن‌ها شناخته می‌شود (جان احمدی، ۱۳۹۶: ۳۱)؛ زیرا هم حیات جمعی بدان وابسته است و هم این موضوع، برآیند پیشرفت علمی یک ملت است. در اندیشه تمدنی رهبر انقلاب شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در عرصه اقتصادی همسان با دیگر عرصه‌ها، به یک منش جهادی همگانی نیازمند است. اهمیت این موضوع تا حدی است که ایشان، برخلاف تمام انواع جهاد که تعریف کرده، برای این‌گونه از جهاد، نام یک سال را نیز به صورت مشخص تعریف نموده و سال ۱۳۹۰ را به‌عنوان سال «جهاد اقتصادی» نام‌گذاری کردند.

اما در وهله نخست، باید دانست که ایشان تعریف مشخصی از جهاد اقتصادی ارائه کرده است: «جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه هدف‌دار ملت ایران با نیت خنثی و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۵/۲۶). در این تعریف، هم جنبه استمرار زمانی و عدم مقطعی بودن این حرکت لحاظ شده و هم جامع‌نگری در همه عرصه‌ها مدنظر قرار گرفته و هم جنبه انگیزشی آن ناظر به تقابل با دشمن در جنگ اقتصادی دیده شده است. این جنبه سوم در بیانی دیگر به صورت روشن‌تر بیان می‌شود تا تمایز آن با هرگونه فعالیت اقتصادی رایج تبیین گردد: «جهاد اقتصادی صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک‌بار معنای ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌توان جهاد نامید. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست، اما گاهی شما می‌خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که به خصوص یک دشمنی سینه‌به‌سینه شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد» (همان، ۱۳۹۰/۱/۸).

آنگاه همین جنبه تقابلی، در کنار توجه به لوازم و الزامات جهاد اقتصادی، مورد توجه قرار می‌گیرد. رهبر انقلاب در تعلیل این موضوع که چرا عرصه اقتصاد را عرصه نبرد می‌داند، معتقدند که امروز به خاطر سیاست‌های خصمانه آمریکا، اقتصاد یک عرصه کارزار و جنگی از نوع خاص است که هرکسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است؛ البته، جهادی که ابزار و شیوه‌های مخصوص خود را دارد و باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و تسلیحات مخصوص خود انجام بدهند (همان، ۱۳۹۴/۱/۱)؛ بنابراین، این جهادانگاری، براساس واقعیتی موجود در عرصه جهانی تعریف شده و صرفاً جنبه انگیزشی و تحرک‌زایی ندارد.

در گام بعدی، جهاد اقتصادی به آموزه‌های دینی پیوسته شده و رهبر انقلاب یکی از مصادیق «حق جهاد» را همین موضوع می‌شمارند و با جهادانگاری تولید، می‌گویند: «أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهِدَتْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۳۳). این را به ائمه علیهم السلام خطاب می‌کنیم و همیشه می‌گوییم: جهاد! امروز تولید جهاد است؛ زیرا جهاد عبارت است از آن تلاشی که ناظر به حمله دشمن و تحرک دشمن باشد؛ در مقابل دشمن باشد. هر تلاشی جهاد نیست؛ تلاشی که متوجه به حمله دشمن است، این جهاد است» (همان، ۱۴۰۰/۱۱/۱۰). در واقع، این انگاره با انگاره عمومی جامعه شیعی، که مردم خود را پیروان اهل بیت می‌دانند، پیوند خورده است تا حرکت تمدنی بر پایه باورهای مذهبی نیز شکل بگیرد.

اما نکته مهم‌تر در این بخش آن است که برای جهادانگاری در عرصه اقتصادی، الزاماتی مبتنی بر عوامل مانایی و اعتلای تمدن لحاظ شده است؛ بدین معنا که، کنش‌گری جهادی در این عرصه بایستی هم‌پوشان با بینش تمدنی باشد. ایشان در همین زمینه به چند الزام مهم جهاد اقتصادی پرداختند و اولاً، روحیه جهادی را لازم می‌دانند که کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام شود؛ نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف؛ دوم اینکه استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه وجود داشته باشد و علاوه بر آن، کشور به مسائل حاشیه‌ای مبتلا نشود. در نهایت هم الزام مهم در این زمینه، حفظ اتحاد و انسجام ملی دانسته شده است (همان، ۱۳۹۰/۱/۱). براین اساس، افزون بر روحیه جهادی و روح ایمان، بایستی به یک‌پارچگی جامعه، که عامل مانایی تمدن است، توجه داشت؛ زیرا اگر فضای جامعه،

فضای ملت‌هپ، متفرق و متشتتی تبدیل گردید، فعالیت‌های اقتصادی نیز تحت الشعاع آن قرار خواهند گرفت.

نکته دیگر آن است که جهاد اقتصادی صرفاً با نقش اصناف اقتصادی و صنعتی تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند نقش‌آفرینی عموم جامعه است؛ بنابراین، رهبر انقلاب در توجه‌دهی عموم ایرانیان به این مسئله می‌گوید: «تولید داخلی مهم است. ببینید کارگر ایرانی چه تولید کرده است، سرمایه‌دار ایرانی چه سرمایه‌گذاری کرده است. درزمینه مصرف، عمده کار دست مردم است که این بخشی از اصلاح الگوی مصرف و جهاد اقتصادی است. تولید ملی مهم است؛ این را باید هدف قرار بدهند» (همان، ۱۳۹۱/۱/۱)؛ بنابراین، وقتی ایشان عمده کار را دست مردم می‌داند؛ درواقع، نقش اقتصادی و نقش همگانی در تأمین بازار محصول ایرانی را دو ضلع مکمل برای یکدیگر می‌شمارد.

این نقش مکمل و متقابل، دقیقاً همان چیزی است که به‌صورت روشن پیروزی در این جنگ را نیز رقم خواهد زد و دشمنی‌ها را به پایان خواهد رسانید: «اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم و اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی، به معنای حقیقی کلمه، استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد» (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۹۱/۱/۱).

نکته پایانی در این بخش، توجه به موانع، معضلات و آسیب‌های موجود در مسیر جهاد اقتصادی است. رهبر انقلاب با تعریف تولیدکننده به‌عنوان رزمنده جنگ اقتصادی، از مسئولان می‌خواهند که تولیدکننده را به چشم یک رزمنده نگاه کنند. آنگاه با ابراز گلایه از اینکه چرا یک تولیدکننده برای اینکه یک کاری را انجام بدهد، باید از هفت‌خوان و درواقع، گاهی از هفتاد‌خوان عبور کند؛ اصلاح قوانین، مقررات دستگاه‌های مختلف را الزامی می‌دانند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۵/۳۰)؛ ازاین‌رو، اگر سازوکار اداری به‌جای آنکه نقش تسهیل‌گری در جهاد اقتصادی داشته باشد، مانع‌زایی کند و حرکت را کند سازد، پیروزی در نبرد اقتصادی نیز تحقق نخواهد یافت.

دیگر آسیبی که رهبر انقلاب در این عرصه جهادی بدان توجه می‌دهد، عدم توجه به عمل‌گرایی و سخت‌کوشی است که با مفهوم لغوی جهاد نیز مرتبط است. «کسالت، کم‌کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباه می‌کند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. اینکه ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی؛ یعنی تحرک اقتصادی باید جهادگونه باشد» (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

باید توجه داشت که ذیل جهادانگاری در عرصه اقتصادی، «جهاد سازندگی» نیز مکرر در بیانات رهبر انقلاب مطرح شده (همان، ۱۳۸۹/۶/۳۱) که هم ناظر به عمران و آبادانی کشور است و هم در ساختار مدیریتی نظام، سازوکار مشخص و تعریف‌شده داشته است؛ از این رو، ابعاد و کمّ و کیف گسترده آن در اندیشه تمدنی ایشان می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد.

۴. تحلیل جهادانگاری نقش‌های تمدنی

اینک پس از روشن شدن گونه‌های جهادانگاری در نقش‌های تمدنی، این پرسش در تحلیل موضوع مطرح است که چرا و به چه علت، رهبری از این الزامات تمدنی در همه عرصه‌ها، با عنوان «جهاد» یاد می‌کند؟ در واقع، فارغ از گونه‌های پیش‌گفته و با بینشی کلی، چه نسبتی میان مفهوم جهاد نظامی با جهادانگاری الزامات تمدنی وجود دارد؟ در این باره چند نکته در اندیشه تمدنی رهبر انقلاب توجه‌برانگیز است: نخست آنکه ایشان ناظر به اهمیت موضوعات فوق، نهایت‌اهتمام و التزام به الزامات فوق را از همگان مطالبه می‌کند و بر همین اساس، بر مفهوم لغوی جهاد، که ناظر به سخت‌کوشی هست، را مدنظر قرار می‌دهد تا بتواند آسیب‌های مربوط به هر حوزه در کم‌کاری، کندکاری و عملکردهای سست را بزداید: «جهاد همه‌اش به معنای شمشیر کشیدن و چپ و راست به این و آن زدن نیست؛ جهاد یعنی خسته‌نشدن، یعنی با فکر درست و منطق درست راهی را انتخاب کردن و ایمان به آن راه پیدا کردن و آن را با همه سختی‌هایش، با همه موانعش دنبال کردن و پیش‌رفت. این معنای جهادی عمل کردن است» (همان، ۱۳۹۵/۱۰/۱۳).

افزون‌براین، در جهادانگاری جنبه دیگری نیز لحاظ شده که ناظر به وجود مانع در این مسیر است. رهبری در این باره به نکته مهمی اشاره کرده است: «مبارزه آن جایی است که انسان با مانعی برخورد کند. این مانع در جبهه انسانی، دشمن است و در

جبهه طبیعی، موانع طبیعی است. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این مبارزه است» (همان، ۱۳۸۳/۸/۲۰).

اما افزون بر توجه عام به وجود موانع، توجه‌دهی خاص به نقطه تقابل موجود با دشمن انسانی در جبهه مقابل تمدن اسلامی نیز بعد مکمل موضوع تلقی می‌شود: «جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه علمی، مطبوعاتی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، مبارزه آشکار و پنهان داریم، اما یک نقطه مشترک در همه این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم و یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است» (همان، ۱۳۸۶/۴/۲۵)؛ براین اساس، او در عرصه‌های مختلف تمدنی که دشمن در تلاش است تا جبهه انقلاب و جمهوری اسلامی را به زانو در بیاورد، جهاد تعریف می‌نماید تا علاوه بر سخت‌کوشی و مجاهدت بی‌وقفه، به هجمه دشمن نیز توجه داده بشود؛ بر همین اساس، دست‌یابی به پیشرفت و نقطه مطلوب تمدنی نیز بر همین مبنا هدف‌گذاری می‌شود: «اگر شما در میدان جهاد -هر جهادی؛ در هر دوره‌ای یک‌جور جهاد لازم است؛ جهاد نظامی داریم، جهاد علمی داریم، جهاد تحقیقاتی داریم؛ همه‌جور جهادی- حضور داشته باشید و فعال باشید، دشمن را شکست خواهید داد» (همان، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹).

دقیقاً در طرف مقابل این قضیه هشدار به شکست محتمل در صورت توجه نکردن به موضوع فوق را بیان می‌کند: «کشور امروز ... درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است؛ یعنی یک جنگ است؛ یعنی این را اگر کسی نداند، آن‌وقت خواب خواهد ماند؛ اگر کسی نداند خواب خواهد ماند. همین قدر که ندانید دشمن درصدد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید» (همان، ۱۳۹۴/۲/۱۴). البته، همان‌گونه که پیش‌ازین، در بخش جهاد علمی مطرح شد، بعد دینی مسئله نیز در توجه‌دهی به فریضه‌بودن جهاد و انگیزه الهی جهاد نیز در این انگاره مطرح است؛ بنابراین، مشخص شد که در چرایی وجه‌تسمیه الزامات تمدنی به جهاد، رهبر انقلاب این فرایند را در نظر داشته است:



شکل ۲: ابعاد تحلیل جهاد انگاری الزامات تمدن سازی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، رهبر انقلاب با جهاد انگاری الزامات تمدن سازی، درصدد تعریف و تحدید نوع خاصی از «فرهنگ جهاد» است که همان انگیزش، همان کوشش و همان دستاوردهای تحقق یافته در دفاع مقدس را در تمام عرصه‌های جامعه‌پردازی محقق سازد. این موضوع اولاً، براساس ایجاد انگیزه دینی در تمدن سازی است که این نقش‌ها دقیقاً بسان جهاد، ارزش گذاری گردد و علاوه بر آن، واقعیات موجود جامعه و جهان در اینکه دشمن نسبت به پیشرفت ایران اسلامی، تقابل دارد، در نظر گرفته شود. به دیگر سخن، آحاد جامعه بدانند که عدم پیشرفت فرهنگی، علمی و اقتصادی ایران در مسیر تمدنی، هدف دشمن است و بایستی در برابر این هدف جبهه‌ای تمدنی شکل دارد و تمام الزامات این بستر را جهاد دانست.

کتابنامه

- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف، دارالمرتضویه.
 اسحاقی، سیدحسین (۱۳۹۰). مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم، هاجر.
 اسعدی، محمد مصطفی (۱۴۰۱). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، معارف.
 امام صادق (۱۴۰۰ ق). مصباح الشریعه. بیروت، اعلمی.
 برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ ق). محاسن. قم، دارالکتب الاسلامیه.
 بیانات و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
 جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، معارف.
 جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲). جهاد اقتصادی. تهران، انقلاب اسلامی.
 خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). جهاد اقتصادی چیستی، اهداف و الزامات جهاد اقتصادی در بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران، انقلاب اسلامی.
 رجبی، طاهره، و میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۹۷). بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، (۱)، ۳۰-۴۹.

- صنیعی، محمدحسن، و زرگرزاده، محمدعلی (آذر ۱۳۹۷). جهاد فرهنگی در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای. مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۲(۷)، ۴۱-۷.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۹۲). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم، المصطفی.
- کریمی، حسن، و ارشادی، وحید (۱۴۰۱). تصویر مطلوب کسب و کار در تمدن نوین اسلامی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۳(۱)، ۱۴۳-۱۷۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). کافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. تهران، ادنا.